

آبی که متعلق است به حاج لر، چهار فرسخی گنبد قابوس، به امر کمیسر آن آب را به گنبد قابوس آورده است. از قدیم و تازگی هزار نفر متجاوز اتباع روس نازن و بچه به گنبد آمده مشغول به کشت و زرع می باشند، در مشرقی گنبد قابوس چند اطاق می سازند و چهارده نفر مرد و زن برای حکمت و جراحی<sup>۳۰۲</sup> مأمور هستند. این حرکات فقط تصرف مالکانه است که روسها در این سرحد<sup>۳۰۲</sup> می نمایند.

### درباب فروش ملك

سابقاً شرحی از شیخ محمدباقر فاضل به عرض رسانیده است. دوسه مرتبه ملك دولت را که واقع است در محلات کتول شش فرسخی مشرقی استرآباد به روسها فروخته، آن پولها را تمام نموده این چندروزه مجدداً دو هزار جریب اراضی کتول که متعلق است به دولت به تجار روس فروخته به مبلغ نود هزار منات که تخمیناً پنجاه هزار تومان پول ایران می شود آقاخان امیرامجد حاکم کتول مدعی شده قونسول روس بین ایشان را اصلاح می نماید. سی هزار منات توسط قونسول بامیرزاعلی اکبرخان و کارگذار با ایالت وپرش و منشی قونسولگری حق اصلاح و دلالی برداشتند. سی هزار منات قرار است به امیرامجد بدهند و سی هزار منات هم تعلق به شیخ محمدباقر می گیرد که ملك دولت را فروخته است. این نود هزار منات به همین ترتیب تقسیم شده است. تا چه اقتضا کند.

### درباب تعمیر راه

راه باغ گلبن يك فرسخی مشرقی که خریداری قونسول روس است سرکار کربلائی علی نجارباشی شوسه<sup>۳۰۵</sup> می نمایند. میرزاعلی اکبرخان گماشته سپهدار از بابت وجوهات املاك خالصه این يك فرسخی را تلفون کشیده و خیابان توی شهر را از جلوخان قونسولخان، تابیرون دروازه فوجرد، سمت شمالی شهر تعمیر و سنگ فرش و پلهای «خروبه» را آباد نموده که درشکه و ارابه روسها به سهولت رفت و آمد می نمایند.

## نمره ۷۰

۵ ماه آپریل ۱۹۱۴

### درباب تعمیر راه

از قراسو که منزل لیانازوف، مشهور به ملاکیله در شمالی قریه کردمحله واقع شده

۳۰۳- اصل: جراحی.

۳۰۴- يك کلمه ناخوانا. (خوانده شد.)

۳۰۵- در اوایل ورود اصطلاح «شوسه» مردم بین کلمه «شته» و قرین «شته و رفته»

می دانستند.

شش فرسخ مسافت دارد، تا شهر از راه صحرا می‌رود. اراضی تماماً مسطح و محل ایاب و ذهاب درشکه می‌باشد. از قراسو تا بندر جز راه کنار دریا دوفرسخ مسافت دارد که راه آن همیشه باطلاق و مخروطه، چندی است میرزا علی اکبر خان گماشته سپهدار کربلائی علی‌نجارباشی را مأمور نموده است که این دوفرسخ را تا بندر جز تعمیر و شوسه نموده، به آسانی رفت و آمد درشکه و سواره بشود.

### در باب شیخ محمدباقر ۳۰۶

قاجاریه استرآباد طایفه قراملو که سابقاً در استرآباد امنیت داشتند در محالات کتول چندقریه دهات مخروطه موروثی از اجداد آنها بوده با شیخ محمدباقر وطن فروش قراردادی می‌دهند که دهات مخروطه را در خاک کتول آباد نمایند، بالمناصفه تقسیم شود. شیخ محمدباقر سال قبل ثلث از آن اراضی قرای مخروطه را به روسها فروخته بودند. دو ماه است قاجاریه به سبب فروختن شیخ مذکور اراضی آنجا را نکول از قرار و معامله‌های شرعی نموده شیخ محمدباقر اعتنائی به آنها نکرده مجدداً دوهزار قسمت از آن اراضی کتول که نصف متعلق به قاجاریه و نصف ملک ۲۰۷... بوده مبلغ نود هزار منات به روسها می‌فروشند که شرح آن را در هفته قبل عرض نموده، قاجاریه به حکومت عارض می‌شوند. به ملاحظه حمایت قونسول، ایالت جواب نموده، نا علاج جمعی از قجرها به قونسلخانه روس رفته متحصن شدند. روز اول قونسول ایشان را پذیرفته، جواب دادند که این خانه دولت است باید به عرض ماها رسیدگی شود. بعد از سه روز قونسول از حکومت خواهش نموده بین قاجاریه و شیخ محمدباقر را اصلاح نمایند. بیست و نهم ماه مرچ غلامحسین خان سردار افخم به قونسلخانه رفته اظهار داشت هرآینه میل ندارید من به استرآباد بمانم فوراً اسب خود را سوار شده به طهران می‌روم، والا شمامی گوئید بین قاجاریه و شیخ را اصلاح نمایم. در صورتیکه شیخ تسلیم نباشد به حمایت شما به من اعتنائی نکند و جوابهای خشن بگوید. شیخ گردن کلفت است. قونسول به ایالت جواب داده از طرف من خاطر جمع ۳۰۸ باشید. از این تاریخ شما مستقلاً به کارهای خودتان رفتار نمائید، ابداً از شیخ محمدباقر حمایت نمی‌کنم. در صورتیکه قاجاریه صاحب دوازده پارچه دهات مخروطه و آباد باشند دیناری عاید ایشان نشود، شیخ مذکور همه روزه محصولات قراء مزبوره و اراضی آنجا را فروخته، تصرف داشته و کسی هم جلوگیری از شیخ نکرده باشد.

### در باب مدرسه

قونسول توسط میرزا علی اکبر خان گماشته سپهدار تیمچه حاجی امین‌الضرب را برای معلم خانه تشکیل داده که بعدها معلم روس آورده اطفال استرآبادی [را] تعلیم نماید.

۳۰۶- در حاشیه دارد: باران فون صمصام تاجر روس ارباب شیرنگ و ماران کلاته.

۳۰۷- يك كلمه ناخوانا.

۳۰۸- اصل: خواطر.

تاچه اقتضا کند.

### درباب حکمای روس

جلو خان قونسلخانه، تحتانی تلگرافخانه روس، دواطاق به عنوان مریضخانه شهرت نموده است. چند نفر زن و مرد روس تازه آمده حکمت<sup>۳۰۹</sup> می نمایند. تاچه اقتضا کند.

## نمره ۸۵

۱۳ ماه اپریل رفت - ۱۹۱۴

### درباب رامیان و حاج لرها

این دو قریه از دهات معظم بلوک فندرسک است که چهار فرسخ در جنوبی گنبد قابوس واقع شده. به قرب سه هزار و پانصد خانوار می باشند. اهالی قراء مزبور تماماً ترک و دیلم و با ترکمانهای گوکلانی هم خاک هستند. مردمان غیور و جنگ آزموده و بی باک هستند. اهالی رامیان میرزا هادی خان سرتیپ را به کلاتری طلبیده، لکن اهالی حاج لرها وصل به رامیان است به تحریک علی اکبر خان پسر ایلخانی برای پرداختن مالیات بدسری نموده از طرف ایالت استرآباد عباسقلی خان سرتیپ با پنجاه نفر سواره قزاق به رامیان رفته مطالبه مالیات از حاج لریها می نمایند. تراعی بین سوار فندرسکی و حاج لری اتفاق افتاده، دو نفر حاج لری مقتول، دو نفر مجروح، یک نفر از فندرسکی مجروح گردیده، عاقبت سرتیپ قزاق مراجعت نموده به رامیان، صرف ناهاری می نماید. اهالی رامیان اطراف مشارالیه را گرفته شلیک نمودند که از ترس فراراً حرکت نموده مراجعت به استرآباد نمودند.

### درباب شیخ محمد باقر

کراراً به عرض رسانیده این شخص دولت فروش از کسانی است [که] قراء شیرنگ و نیرکان که متعلق به صد نفر سادات فقیر و پریشان بوده و به حمایت قونسول روس تصرف کرده، اراضی آنجا را که شش فرسخ مسافت تا شهر است به دفعات عدیده با روسها معامله نموده<sup>۳۱۰</sup> و ضمناً چند پرگاله قراء واقعه درکتول [را] که متعلق به طایفه قاجاریه است تصرف مالکانه کرده، گاهی این املاک جواهر خیز را باسم دولت به روسها فروخته و گاهی به اسم ملت. در جواب دولت و ملت به ولایت شرعیه و مال مجهول المالک<sup>۳۱۱</sup> تعلق

۳۰۹ - (طبابت).

۳۱۰ - در حاشیه دارد: ارباب باقرآباد تسطاقه رویج، بیالتویج روسی، مسیو نویسکی خریداری ملک نموده اند (صحت ضبط اسامی مسلم نیست).

۳۱۱ - اصل: الممالک.

به حاکم شرع دارد می‌فروشد. چندی است از وزارت خارجه و داخله تلگرافات چندی برای کارگذار رسیده مجلس نمایند. چون شیخ زمین فروش از پولهای طلای روس در جوف پاکت برای کارگذار می‌گذارد لهذا لابد است بامشارالیه همراهی نماید، یا اینکه قسمتی [از] اراضی دولت را که ترکمانها ساکنند نود هزار منات چندی قبل فروخته، سی هزار منات را بین دوستان خود تقسیم نموده برای این موقع که جواب وزارت خارجه و داخله گفته شود. و ضمناً صاحبان ملك یا سادات یا قجر باشند، خواه از گرسنگی گدائی نمایند یا شام شب نداشته باشند. در عوض آنها شیخ محمدباقر باید روزی دو شیشه عطر روسی که عبارت از سه تومان باشد در اطاقها و لباسهای مردانه و زنانه استعمال نماید. روزی سه تومان لیمونات و قهوه صرف نماید. شبی چهار پنج تومان خانم شیخ که صبیبه شیخ حسن جزئی مجتهد است پول کنیاك و شراب و کباب قرقاول باید بدهد. به سبب آنکه خانم مذکور اولاد ندارد و اندوهناك است. به همین منوال خاك یموت راهم که روسها به قوه جبریه در حیطه تصرف در آورده و اتصالاً رعایای روس از گرسنگی و پریشانی در خاك روسیه مبتلا به زحمات فوق العاده بوده و همه هفته از بیابان بی آب و علف داخل آبادانی و خاك جواهر خیز سرحدی استرآباد وارد گردیده در سایه شیخ محمدباقر جمعی، وعده کثیری در ظل مرحمت محمود آقا سرهنگ در گنبد قابوس فروشنده رود گرگان توطن کرده دعا به وجود آنها می‌نمایند.

### درباب قهارخان

چندی قبل صبیبه محمدباقرخان امیراکرم هزارجریبی را برای خود عروسی نموده به قرب دوهزار تومان مخارج عروسی کرده، غلامرضاخان اجزاء گمرکخانه بندر جز زنی داشته که اوصاف مشارالیه باخواهرش [که] مشهورترین زنهای فاحشه است مانند ۲۱۲ ماتشکه‌های روسی پوشیده است - شب و روز باقهارخان سالار اشجع در کارکنده شش فرسخی مغربی مشغول به عیاشی [بوده] بالباس مردانه که اسب سواری به عنوان تفریح در چمنها گردش رفته. دوازدهم ماه اپریل خبر رسید اهالی قریه کارکنده تعصب ورزیده شب اطراف منزل سالار اشجع را محاصره و شلیك تفنگ می‌نمایند. راپرت به امیراکرم دادند. از کفشگیری به ملاکیله زیر حد قریه کارکنده می‌رود. بین سالار اشجع و رعایا را اصلاح نموده خانم غلامرضاخان را عودت به منزل شوهرش در بندر جز داده مراجعت نموده‌اند. ۱۳ ماه اپریل رفت.

## نمره ۹

سلخ ماه اپریل رفت - ۱۹۱۴

### درباب کردمحلہ

دودانگ و نیم قریہ کردمحلہ چهار فرسخی مغربی تقریباً دو هزار خانوار متجاوز است، میرزا علی اکبر خان گماشته سپہدار مبلغ ہفت ہزار تومان بہ توسط آقاسید جمال مجتہد بہ حیدرقلی خان مسعود السلطان اجازہ دادہ، ہزار تومان ہم حیدرقلی خان بہ سردار افخم ایالت استرآباد تقدیم نمودہ لکن بیست ہزار تومان از رعایای مذکور برداشت نمودہ انواع و اقسام تعدیات وارد نمودہ بہ ہیجان ۲۱۳ آمدہ ہیجدهم ماہ اپریل علمایان و سادات و جمعی از کردمحلہ ازدحام کردہ پانصد نفر بہ شہر آمدہ بہ منزل آقاسید جمال وارد شدند. عموماً از دست حیدرقلی خان شاکی شدہ، اظہار می دارند کہ چہار نفر از تجار محترم را بہ ضمانت می دہیم، ہشت ہزار تومان مالیات را در چہار قسط خودمان قبول کردہ می پردازیم. تا چہ اقتضا کند.

### درباب مہدی شاہ

مشارالیہ برادر مرحوم ایلخانی ولد میرزا علینقی خان از اولادہای میرفندرسکی ملقب بہ سردار جنگ کہ در حکومت امیر توپخانہ لجاجت کردہ ملحق بہ سالارالدولہ گردیدہ چندی در مازندران بہ اتفاق نواب و الا تصرفات نمودہ فراراً بہ کرمان رفتہ در آنجا گرفتار شدہ اورا بہ اتفاق سالارالدولہ بہ روسیہ فرستادہ بودند. بیست و سیم ماہ مذکور بادونفر داغستانی وارد بندر جز [شدہ] و بہ استرآباد آمدند، چون یک ماہ قبل شہرت داشت شعاع السلطنہ فوت شدہ است. از قرار اظہارات مہدی شاہ نواب مذکور با محمد علی میرزا و سالارالدولہ در عدسہ ۲۱۴ توقف دارند. دوسہ روزی در استرآباد قونسول و ایالت را ملاقات نمود. بہ اجازہ ایشان بہ فندرسک رفتند.

### درباب روسہا

روز بیست و ششم ماہ اپریل شصت نفر سالداد یاد و عرادہ توپ بہ قراسوکہ ہشت فرسخی شہر موسوم بہ ملاکیلہ است رفتند. روز بعد عوض آن سالداد یک عدہ دیگر بہ استرآباد آمدہ، لکن رعایائی کہ از روسیہ آوردہ اند تماماً مشغول بہ کسب معیشت، و ہر یک از آنہا عرابہ بارکشی دارند. با گاویا گاومیش بار حمل بہ گنبد قابوس یا گموش تپہ نمودہ، بعضی از در شمالی استرآباد علف بیابان را چیدہ برای فروش حمل بہ شہر می نمایند. در ایاب و نہاب انواع و اقسام بہ رعایای استرآبادی ادیت و صدمہ می رسانند. گاوہای

خود را در غلهجات رعایای فقیر انداخته مردم بدبخت در تعب و عسرت می‌باشند و قدرت تکلم ندارند. زراعت پامال سم‌گاوها [می‌شود] و کسی نیست احقاق حق مظلومان و رعایای فقیر را بنماید.

## نمره دهم

۷ ماه اپریل رفت

### درباب ورود سیاح

يك نفر سیاح از طرف عثمانی بایک نفر نوکر به‌عنوان سیاحت از راه خراسان به‌سمت بجنورد آمده از راه گوکلان وارد به‌گنبدقابوس شده، از کنار رود گرگان وارد آق‌قلعه [شده] و به‌سمت گموش تپه رفته به‌استرآباد آمده‌اند. وارد به‌دارالحکومه گردیده با قونسول و خوانین استرآباد دید و بازدید می‌نمایند.

### درباب مازندران

از قرار تحقیق دربارفروش دویست نفر قزاق روس با چهار عراده توپ توقف دارند... ۳۱۵ استرآباد به‌اهالی آنجا انبیت و صدمه ندارند. دویست نفر قشون روس با بیست و پنج نفر سوار چکت در استرآباد توقف داشتند به‌انضمام هشت عراده توپ، در مدت يك هفته به‌قرب صد نفر سالداد باش عراده توپ از دیوانخانه عزیمت به‌سمت قراسو، [کرده] وارد در پراخوت جنگی گردیدند. صد نفر سالداد، ده نفر توپچی، دو عراده توپ در ارگ دولتی توقف داشته، همه‌روزه برای مشق بیرون دروازه حاضر می‌شوند. تاجه شود.

### درباب گنبد قابوس

کمیسر چندی قبل به‌روسیه رفته‌بود. پنجم ماه می از گنبد قابوس خبر رسید مشارالیه مراجعت نموده لاکن هزار نفر رعیت روس را همراه خود آورده در اطراف گنبد قابوس الی طایفه داز که پنج فرسخ مسافت با شهر است ساکن شده، زرع [و] کشت می‌نمایند و خود را مالک حقیقی در این خاک و حدود دانسته و هستند. تاجه اقتضا کند.

### درباب وکلای استرآباد

چندی قبل مکتوباً وزارت داخله برای امر انتخابات وکلا به‌سردار افخم ایالت استرآباد نوشته بودند. معظم‌الیه تاکنون مطالب را مخفی داشته، مجدداً رئیس‌الوزراء، تلگرافی سخت به‌حکومت نموده اهالی استرآباد وکیل معین نمایند. ششم ماه مذکور

ایالت جمعی از سلسله علما و تجار را احضار نموده تلگراف را داده قرائت نمودند. هفت نفر نظار قرارداد، در صورت لزوم چند شعبه انجمن در قراء بزرگ و صحرای یموت و سه هزار تعرفه داده شود. دونفر وکیل یکی از طرف شهر و یکی از ایلات یموت انتخاب کرده به طهران بفرستند. تاچه اقتضا کند.

## نمره ۱۱

۱۴ ماه می رفت - ۱۹۱۴

### درباب روسها

نهم ماه می یک نفر صاحب منصب بحری دولت روس از پترزبورغ به مأموریت استراپاد از راه قراسو به احترام و استقبال وارد به قونسولخانه شدند. لکن از قرائن مفهوم شد که این صاحب منصب برای چه کار آمده است، چون قونسول استراپاد مخارج زیادی از بابت تعمیر قونسولخانه پای دولت وارد کرده است. و ضمناً ۲۱۶ برای تحقیقات استراپاد که بعضی شاکی شده اند و املاک آنها را قونسول و کمیسر به عنوان خریداری و اجاره به دستگیری شیخ محمد باقر و محمود آقا سرهنگ تصرف دارند رسیدگی و تحقیقات نمایند.

### درباب حکمای نظامی روس

چند نفر حکیم روس چون در قونسولخانه منزل داشتند و رفتن مریض در آنجا صعوبت داشت لهذا قونسول باغ عباس خان بیگلریگی را که وقف است بر تکایای شهر، ده ساله اجاره نموده سالی شصت تومان برای مخارج موقوفه بدهند و تعمیرات لازمه را که در عمارت و اطراف داشته از خود بنمایند. چند روز است سه بنا با چند نفر نجار مشغول تعمیرات باغ مذکور واقع در شرقی عمارات دولتی می باشند.

### درباب قهارخان سالار اشجع و فوت آن

شرحی از حالات مشارالیه دو هفته قبل به عرض رسانیده بود. دوازدهم ماه می تلگرافاً خبر رسید عیال محمد باقر خان امیراکرم [که] مادرزن سالار اشجع بود از منزل سالار اشجع مراجعت به کفشگیری می نماید. مشارالیه برای مشایعت مادرزن خود سوار گردیده در امامزاده خرابه شهر [که] پنج فرسخی استراپاد است، همان روی اسب سکنه کرده از اسب افتاد فوت شد.

### درباب نظار

در این هفته دونفر نظار معین گردیده: یکی آقاسید جمال الدین مجتهد که مرجع

تمام امورات شرعیه استرآباد است و اهالی اورا خواهانند، یکی هم آقاسید یوسف مجتهد است که از جمله واعظین این شهر است. تاجه شود.

## نمره ۱۲

۲۱ ماه می رفت - ۱۹۱۴

### درباب ایالت

چون شیخ محمدباقر فاضل به حمایت قونسول روس در خاک کتول و قراء شیرنگ و نیرکان و صحرای یموت که محل سکونت تراکمه داز است دو کرور متجاوز قیمت دارد، خودسرانه باروسها اجاره و فروش نموده است و صاحبان ملك کراراً به حکومت استرآباد تظلم نموده به واسطه گرفتن صدماتیهای روس احقاق حق مردم را می کند، لهذا هفته گذشته روزنامه برق شرحی از حرکات ایالت و گرفتن رشوه از شیخ مذکور شکایت کرده است. ایالت محرمانه با ساعدالسلطنه مذاکره نموده تصدیقی برضد عنوانات روزنامه برق نوشته علمایان و تجار استرآباد امضا نموده برای وزارت داخله بفرستند. دو نفر از علمایان نوشته را به توسط رئیس کابینه امضاء کرده تجار امضاء نکردند. جواب دادند چون می دانیم چند فقره در کارهای مردم ظلم شده و احقاق حق از طرف ایالت نشده است.

### درباب نظار

به تصدیق ایالت هفت نفر نظار منتخب شده اند: جناب آقاسید جمال مجتهد، آقاشیخ اسمعیل مجتهد، آقاسید یوسف مجتهد، آقا رمضانعلی تاجر، حاجی محمد رحیم تاجر، ساعدالسلطنه، آقا علی خان، کربلائی علی عطار. لکن سالار اشرف نایب الحکومه باشیخ محمدباقر فاضل و میرزا علی اکبر خان گماشته سپهدار به تحریک قونسول و ایالت مردم را دوسه فرقه نموده اند [تا] برضد مشروطیت رفتار نمایند. دوروز است انتشار داده اند محمدعلی میرزا بیست روز دیگر وارد سرحد تبریز خواهد شد. از طهران به سردار افخم برای تعیین وکلا سخت گرفته اند. معظم الیه در این بین سرگردان و ناگزیر مانده. اگر بر حسب تلگرافات وزارت داخله برای انتخاب وکلا رفتار نماید از قونسول روس واهمه دارد. اگر اقدامی در این باب نکند جواب طهران را چه بگوید. به همین لحاظ کارها را به عهده تعویق انداخته، همراهی ندارد.

### درباب روسها

به عرض رفته بود صاحب منصب محترم بحری روس برای تحقیقات کارهای قونسول به استرآباد آمده است. شانزدهم ماه می دوفتر از علما و چند نفر از تجار را احضار نموده دوستانه با آنها صحبت می کند. از حرکات قونسول نسبت به اهالی استرآباد سؤال کرده،



بعضی از ترس اظهاری نکردند. آقا رمضانعلی و کیلالتجار که مشروطه خواه است نطق نموده که اهالی استرآباد برای امنیت سرحدی کمال تشکر را از جناب قونسول دارند، لکن يك مطلب باعث انزجار عموم استرآبادی شده است که آن گرفتن املاك مردم است، به قوه قهریه تصرف نموده‌اند. قونسول جواب گفت که من به تصدیق علمای بلد همراهی می‌نمایم. و کیلالتجار جواب داده شیخ محمدباقر و شیخ حسن جزی و آقا ابوتراب و شیخ طاهر هر يك مبلغ گرافی مقروض بودند. پدران ایشان ملکی نداشتند و حالیه به واسطه حمایت شما صاحب ثروت شده‌اند. در صورتیکه صاحبان ملك اطلاعی ندارند. بعد به ظاهر صاحب منصب مذکور با و کیلالتجار ملاطفت نموده گفت کارها خوب می‌شود. انجمن طهران برای همین امورات و اشتباهات و تعدیات باز خواهد شد، مردم آسوده می‌شوند. تا چه اقتضا کند.

### درباب انجمن

بیستم ماه مذکور ایالت چند نسخه اعلان نوشته به دروازه و معابر و بازار نصب نمودند. برای گرفتن تعرفه از تاریخ ششم ماه رجب الی روز نهم و تا روز بیستم هر کسی تعرفه می‌خواهد در مسجد جامع حاضر شده تعرفه داده می‌شود.

### نمره ۱۳

غره جون رفت - ۱۹۱۴

### درباب تعمیر راه

به عرض رسانیده بود میرزا علی اکبرخان از قراسو الی بندر جر را شوسه نموده برای ایاب و ذهاب درشکه و رفت و آمد روسها. از قرار معلوم روسها خیال کشیدن راه آهن دارند. راه قراسو هشت فرسخی شهر به خط استوا از جنوب گنبد قابوس به گوکلان منتهی می‌شود که سرحد خاک بجنورد است. يك فرسخ در شمالی شهر این خط واقع است.

### درباب محمود آقا سرهنگ قزاق

کراراً به واسطه فروختن املاك دولت و اذیت خلق و همراهی با کمیسر روس برای بردن خاک ایران در تمام روزنامه‌ها درج است. برای رفع این خیانت بزرگ بیست و دوم ماه می به استرآباد آمده شب بیست و سیم از راه شاهرود به طهران رفتند.

### درباب سرقت

شب بیست و چهارم ماه می دزدطایفه اتابائی يك رأس اسباز قریه سلطان آباد، دو فرسخی شمالی بدسرت بردند.

### درباب قراء انزان

سابقاً به عرض رسانیده بود قراء انزان توابع و لیوان هشتیکه که جزو املاک سپهدار محسوب است دهساله سالار اشجع صدویست هزار تومان اجاره نموده است. بعد از فوت سالار مذکور محمدباقرخان امیراکرم به شهر آمده قرارداد مذکور را شخصاً قبول نموده به سبب نگاهداری کسان سالار اشجع وجه اجاره را بعد از وصول مالیات از محل به گماشته سپهدار عاید دارند. بیست و هشتم ماه می برای رسیدگی امورات سالار مرحوم به تصویب قونسول و ایالت، کارگذاری به اتفاق میرزا علی اکبرخان و عباسقلی خان سرتیپ رئیس قشون با امیراکرم بندر جز و نوکنده رفتند. داریی مرحوم سالار را رسیدگی نموده محاسبات تجار مسیحی را با سایرین محسوب و مفروق نموده تقریباً پانزده هزار تومان قروض مشارالیه [بوده] و بهمین معادل عایدی داشته، لکن وجه نقدی را از قرار مذکور به تحریک امیراکرم معدوم ساختند. والله اعلم.

### درباب غضب خداوندی

قریه رستم کلاه یک فرسخی مشرقی درخانه آقا احمدسید یک ماری رامی کشند. فردای آن روز... ۲۱۷ خانه بیدار شده برای نماز، سه عدد ماری را مشاهده می کند. سه قطعه زمین که هر نقطه دویست عدد متجاوز مار روی هم ریخته و یکی از آن مارها تاج داشته. هر وقت که سایر مارها خیال حرکت داشتند مار تاجدار ممانعت می کرد. اهالی متوحش شده پیرمردی را به شهر فرستاده منزل شیخ طاهر مجتهد مطالب را اظهار داشته دستور العمل داده شد شیربرنج و قدری شیرینی نزدیک آنها بگذارید. بهمین دستور رفتار کرده مارها قدری از شیربرنج و شیرینی خورده شب دیگر به مکان خود عودت نمودند.

### درباب ایالت

امیرتوپخانه به سبب تقدسی که داشت بعضی حرکات و همراهی به امورات قونسول روس به انتظار آشکارا می کرد، لکن سردار افخم دوچندان از امیرتوپخانه با خیالات روسها همراه است و فطرة معظم الیه موندی ۲۱۸ و روس پرست است. در ظاهر با مردم نوع دیگری رفتار می نماید. از بابت گرفتن وجه رشوه به عنوان مطلبی حال (؟) به طور وضوح پیوسته، خصوصاً محض خشنودی قونسول مردم را محرك است، برای گرفتن تعرفه شخصی را انتخاب نمایند که پارتی روسها بوده باشد.

۳۱۷- يك كلمه ناخوانا شبیه صبحی.

۳۱۸- صل: موزی.

## نمره ۱۴۵

۱ ماه جون رفت - ۱۹۱۴

## درباب آفت حاصل

امسال غله در استرآباد و صحرای یموت مانند سال قبل عمل نیامده است. از طایفه قجق الی طایفه داز موش زیادی در صحرای یموت از زمین به عمل آمده آفت غله گردیده، جو و گندم را قلم قلم نموده. این شش فرسخ را ضرر فوق العاده رسانیده که تمام ساکن نشین این نقطه محتاج به خریداری می باشند.

## درباب دعوت

شیخ محمد باقر ملک فروش چهارم ماه جون قونسول روس را در شیرنگ شش فرسخی مشرقی دعوت می نماید. قونسول با درشکه از راه صحرا رفته به منزل پولکنیک کنار رود گرگان ورود کرده برای مصالح روزگار به انتظار خلق دعوت شیخ را پذیرفته. روز پنجم شیخ محمد باقر خدمت قونسول رفته به اتفاق به دهات ملک آمده به شهر آمدند.

## درباب تحریک

از ناحیه ایوانف قونسول روس میرزا علی اکبرخان به اتفاق نظر علی خان سالار اشرف مردم را محرك می باشند برای برهم زدن انجمن نظار. و انتشار داده اند ورود محمد علی میرزا [را] به سرحد تبریز، سالارالدوله را به گیلان، ورود شعاع السلطنه را به گموش تپه سرحد استرآباد. در صورتیکه به طور حتم دروغ جعلی مرکب است.

## اسب دوانی قونسول

مشارالیه با سردار افخم قرار اسب دوانی داده بودند، هر یک پنجاه منات. هر اسب که عقب افتاد آن هم پنجاه منات شرط بسته شد. محل اسب دوانی در یکه مازو، تهیه لوازمات و پذیرائی به عهده سالار اشرف، مسافت دوانیدن اسب یک ورس و نیم. هفتم ماه جولای دو ساعت به غروب هفت رأس اسب را دواندند: سردار افخم دو اسب، قونسول یک اسب، سالار اشرف یک اسب، ایوانف رئیس تلگراف یک اسب، آقاهادی پسر حاجی سید طاهر یک اسب، خوانین استرآباد و صاحب منصبان روس و اجزاء قونساخانه و خانمهای روسی تماماً دعوت داشتند. اسب قونسول از تمام اسبها به قوه قهریه جلو آمد و سایر اسبها مانند صاحبانش از ترس قدم یارائی نکرده عقب ماندند. ششصد منات قونسول وجه نقد در میدان اسب دوانی از اشخاص مذکور گرفته دو ساعت از شب گذشته مراجعت به

شهر نمودند.

### درباب تعدیات

کراراً بدعرض رسانیده شیخ رضا آقای قاجار ملقب به سلطان العلماء که اول مدلس این بلد [است] و تمام نوشتجات و فرمان تدلیس و محکوک نسب خاقان مغفور دارد دوسنگ و نیم آب دهنه سرخون محله را که متعلق است به دولت به دستگیری کمیسر روس تصرف کرده به قریه سنگ دویین هفت فرسخی شرقی در خاک کتول برده بودند. سه چهار قریه هم اطراف بنا نموده پنجاه هزار تومان قیمت آب و ملک است. مهدی شاه امیر پنجه مراجعت از روسیه بدسبب تشکی و آه و ناله رعایای فندرسکی امر نموده آب مزبور را به مجرای سابقه برگردانیدند. سلطان العلماء خبر به کمیسر روس داده بیست نفر سوار چکت برای باز نمودن بند آب می روند. پانصد نفر فندرسکی به امر مهدی شاه شلیک تفنگ نموده سوارهای چکت فرار نمودند. تاجه اقتضا کند.

### نمره ۱۵

۱۸ ماه جون رفت - ۱۹۱۴

### درباب انجمن نظار

به موجب تلگرافات عدیده از وزارت داخله برای ایالت می رسد یک نفر وکیل از استرآباد معین نمایند، دوسه مجلس در دیوانخانه منعقد [شده] هفت نفر نظار را مشخص کرده، از تاریخ شانزدهم رجب در مسجد جامع آمده به تصویب اعضای انجمن تعرفه می دادند و مدت سه روز چهارصد تعرفه داده. اسامی انجمن نظار از قرار ذیل است: آقا سید جمال مجتهد رئیس انجمن - آقا شیخ اسمعیل قاضی - ساعد السلطنه سرتیپ - حاجی شیخ علی تاجر - آقا رمضان وکیل التجار - کربلائی علی عطار. این هفت نفر مشروطه خواه و مردمان بی غرض و مرض بودند. کربلائی نظر خان سالار اشرف به تصویب قونسول نایب الحکومه شده است. همدروزه سه مرتبه مجبور است به قونسلخانه رفته راپرت اداره حکومتی را با کارهای شهری می رساند. به تحریک قونسول سردار افخم را واداشت میرزا محمد مهدی پسر حاجی سید طاهر مجتهد که علناً برضد مشروطیت تا به حال رفتار نموده است در جزو انجمن نظار باشد. اعلان دولت هفت نفر منظور<sup>۳۲۰</sup> شده، سالار اشرف هشت نفر قرار داده اند. شب نوزدهم ماه جون چند لایحه و اعلان به تحریک مغرضین از طرف کسان حاجی سید طاهر مجتهد برای برهم زدن انجمن نظار نوشته در مسجد و خانه های ایشان و برای ایالت فرستادند. روز نوزدهم شیخ اسمعیل قاضی از نظارت انجمن اعراض نموده در مسجد جامع حاضر نشد. میرزا محمد مهدی را عوض مشارالیه آورده انجمن

برهم خورد. ایالت به رئیس انجمن می گوید عموماً استعفا بدهید. رئیس انجمن با سایرین با کمال شغف فوراً استعفای خود را نوشته به حکومت دادند. مقصود ایالت و سالار اشرف این بود [که] بعد از استعفای اعضای انجمن به میل قونسول روس چند نفر وطن فروش معین نمایند. چون اهالی شهر از حالات وطن فروشها مسبوق هستند لهذا رأی نخواهند داد. مجدداً حکومت استرآباد جمعی از علمایان و تجار را احضار کرده برای انجمن جدید رأی می خواهد. اهالی جواب دادند هفت نفر اعضای انجمن نظار مردمان بی غرض و بی طرف بوده اند، علت استعفای آنها چه بود؟ ایالت جواب داده من خبط کردم، شما بروید آقا سید جمال رئیس انجمن را با سایرین راضی نمائید تعرفه بدهند. لکن هر آینه محرك نمی شدند تا به حال با کمال دلگرمی و خوشوقتی این هفت نفر تعرفه داده يك نفر وکیل قابلی معین کرده به طهران می فرستادند. افسوس قونسول روس مانع است و سالار اشرف بی اندازه کمک می کند. سردار افخم هم شخصاً پارتی روسها می باشد. در استرآباد [کسی] بدون اجازه قونسول نمی تواند دخالت در کاری نماید. همه روزه از ناحیه قونسول يك حرف برای کارشکنی مشروطیت و ترس اهالی شهر منتشر می شود. تا چه اقتضا کند.

### در باب سرقت

شب شانزدهم ماه جون يك نفر اجزاء قونسولگری روس از بازارچه نعلبندان مبلغ شصت تومان وجه از دکان سید حلوائی سرقت کرده با نوروز نام مطرب تقسیم می نماید. کدخدای محل نوروز را دیوانخانه برده چوب و افری زده اقرار به سرقت نموده وجه را گرفتند.

## نمره ۱۶

۲۵ ماه جون

### در باب سپهدار

به عرض رفته است قراء خالصه استرآباد را سپهدار تصرف نموده میرزا علی اکبر خان گماشته مشارالیه در استرآباد به حمایت قونسول روس صدمه و خسارت فوق العاده به اهالی استرآباد زده باعث اجاره دادن املاک و فروختن سایر مردم املاک دولت را به تحريك ایشان بوده لذا حرکات و همراهی میرزا علی اکبر خان در این سرحد با خیالات روسها بوده تماماً به معاونت قونسول بوده باعث تجری گردیده يك نفر صاحب منصب خارج از فوج نظام که اوایل ماه جنواری به استرآباد آمده بود از بابت قراء خالصه متعلق به دولت بوده تحقیق کاملی نموده مراجعت به روسیه از راه رشت عزیمت به طهران کرده در منزل سپهدار رفته از اول خاک مازندران الی سرحد فردین که بیست و هشت فرسخ مسافت عرض دارد نود و شش ساله اجاره می کند. من بعد کسی در استرآباد صاحب ملک

و خانه نخواهد بود. لابداً سی هزار خانوار مالقانی تبعه روس برای کشت و زرع به استرآباد خواهد آورد. از قراری که قونسول اظهار می دارد این قرارداد سپهدار با جنرال روس به تصویب اولیای دولت و امضای وزارت خارجه شده است. عمأ قریب دولت روس استرداد رالی خاک خراسان به عنوان اجاره و خریداری قبول خواهد نمود. تا چه اقتضا کند.

### درباب روسها

بیست و سیم ماه جون خبر رسید کمیسر روس اظهار داشته تا اول فصل پائیز دو هزار نفر مالقانی تبعه روس را وارد گنبد می نمایند.

### درباب ارزاق

سال قبل چون جو [و] گندم نهایت خوبی عمل آمده بود تا به حال در انبارهای تجار جو [و] گندم کهنه باقی مانده و شلتوک به سبب بارندگی پائیز گذشته تماماً در انبارها ضایع گردیده که برنج آن را نمی شود خورد. برنج مرغوب را از قراری باری چهل و پنج من تبریز هفت تومان می فروشند. برنج امیری را یازده تومان می فروشند. از باب معاش به اهالی یموت خوش می گذرد. لکن از کثرت سرقت گاو و مال عموم اهالی ذله شده اند. آنچه گاوی که در استرآباد سرقت می شود پودراتچی قشون روس شرکت دارد. تا چه شود.

## نمره ۱۷۵

۲ ماه جولای رفت - ۱۹۱۴

### درباب سپهدار

به عرض رفته بود خالصه استرآباد را سپهدار به گنرال ۲۲۱ روس اجاره داده نه ساله. بیست و ششم ماه جون گنرال مذکور به اتفاق سراج لشکر منشی سپهدار و دونفر تنکابنی و یک نفر منشی و نماینده گنرال وارد گردیده موسوم به میرزا علی اکبرخان مترجم. بعد از رسیدگی محاسبات میرزا علی اکبرخان نماینده سابق قراء خالصه را تسلیم گنرال نمایند. لکن این مقدمه قطع روزی از زارعین ۲۲۲ استرآبادی می نماید. چون عمأ قریب سی چهل هزار خانوار مالقانی تبعه روس به استرآباد آمده، گنرال امر می نماید زارعین ۲۲۲ از قرار نصف بدهند. چنانکه قونسول روس رعایای قریه باغ گلین را امر می شود نصف بکارند. زارعین ۲۲۲ قبول نکرده تماماً را بیرون نمود. در عوض آنها سی خانوار مالقان آورده، مشغول به کشت و زرع ۲۲۲ می باشند.

۳۲۱ - (=جنرال).

۳۲۲ - اصل: زارعین.

۳۲۳ - اصل: ذرع.

### درباب قونسول و کمیسر روس

مدتی است بین این دونفر صاحب منصب روس به سبب ریاست استرآباد تکدر [است] و باهم ضدیت سخت دارند. قونسول امیراعظم [را] محرك است، خطه شاهرود و خراسان را انقلاب نموده شاید دولت امنیت آنجا را به ایشان بدهد. کمیسر تراکمه گوکلان را محرك است، راه خراسان را آشوب نموده زوارها را چاپیده شاید خط مزبور را به مشارالیه واگذار نمایند. یک طرف اهالی فندرسک و رامیان را کمیسر محرك شده، نماینده قونسول را بزنند و اعتنائی نکند. چندی است شهرت دارد قونسول را به مأموریت مراغه سرحد تبریز بفرستند. کمیسر هم هفته قبل به روسیه رفته. تا چه اقتضا کند.

### درباب ظلم و ستم

کوچیلان روسی سه چهار سال است در جعفربائی آسیاب آبی دایر نموده کسب می نماید. از یک نفر ترکمان تبعه روس قطعه زمینی را که سالهاست در تصرف اتباع ایران بود به جزئی قیمت خریده است. یک مرتبه این نزاع مذاکره و مطرح می شود. قضات جعفربائی خریدن کوچیلان را تصدیق نمی کنند و این قطعه اراضی در جنوب بشی اوسقه در سرحد مهترکلاته واقع است. نیم فرسخی عرض نیم فرسخ طول دارد. قونسول روس خوجه نیاز خان را اگنط است با افغان قاضی و ابا آخوند احضار به شهر نموده می گوید نوشته کوچیلان را امضا نمائید. قضات جعفربائی جواب داده این اراضی متعلق است به دولت ایران کسی حق خرید و فروش ندارد. قونسول می گوید شما در امنیت من هستید و حکماً مهر نمائید. افغان قاضی می گوید ماها محکوم به حکم احمدشاه هستیم و استرآباد را متعلق به دولت ایران می دانیم. قونسول به آنها تغییر کرده قضات را امر به محبس می نماید. خوجه نیاز خان را می گوید نوشته امضاء کند. مشارالیه جواب [می دهد] آنچه قضات بگویند صحیح است. قونسول با اگنط هم تغییر کرده به ایشان گفتم نشان دولت را بدهید و معزول خواهید بود. دولت وردی خان خوجه نفسی را بعد از دوروز اگنط نموده دو بیست نفر تراکمه جعفربائی به شهر آمده قرار بود تلگرافاً از تعدیات قونسول به طهران شکایت نمایند. قضات را مرخص نموده مراجعت نمودند. تا چه اقتضا کند.

### درباب دعوت

قونسول روس امیراعظم را برای اسب دوانی دعوت استرآباد می نماید. نواب والا جواب داده چون اهالی سمنان برای فرستادن وکیل به طهران آشوب نموده اند لهذا معتضد الممالک نایب الحکومه شاهرود را فرستادم به اتفاق یدالله میرزا ۲۲۲ به استرآباد خواهد آمد. چون نواب زاده شش سال ست برای تحویل به فرنگ رفته بود موقع تعطیل برای ملاقات پدرش آمده. بیست و هشتم ماه جون سالار اشرف و معاون کارگذاری استقبال رفته یدالله میرزا با معتضد الممالک مقارن غروب وارد به قونسولخانه گردیدند و در این

موقع چهارده سال از سن یدالله میرزا می رود.

## نمره ۱۸۵

۹ ماه جولای ۲۲۵ رفت - ۱۹۱۴

### درباب اسبدوانی

قونسول روس چون سر کرده و ایالت استراباد را احمق فرض نموده دوباره برای اسبدوانی بیرق گذارده به همین بهانه راه باغ گلبن و خیرآباد یک فرسخی مشرقی را امر نموده هزار نفر ایلجاری از دهات رفته زمینها را کنده کنی و مسطح نمودند. بعد از ورود نواب یدالله [میرزا] پسر امیراعظم صلاح دانستند زیر ناور محمدآباد یک فرسخی شمالی شهر اسبدوانی نمایند. دویم ماه جولای سر کرده ها قبل از ظهر در آنجا رفته چند عدد چادر برپا نموده قونسول و سردار افخم و کارگذار با پسر امیراعظم و مدعوین و خانمهای روس بعد از ظهر رفتند. دو ساعت به غروب بنای اسبدوانی دوره گردید. دور اول ده اسب گردش نمودند. تخمیناً یک ورس ونیم قزاقهای روس کلیه اسبهای خوانین را شلاق می زدند. یک رأس اسب کهر قونسول که چهارصد و پنجاه تومان خریده بود هزار منات، بیرق را برداشته. دوره دویم اسب نایب قونسول بیرق را برداشت ششصد منات گرفتند. ایضاً دفعه سیم اسب کردند قونسول بیرق را برداشته ششصد منات تسلیم شد. عموم سر کرده ها، سردار افخم و ترکمانها به صدای بلندی گفتند قونسول صاحب مبارک باشد. بعد از ختم اسبدوانی تماماً در همان نقطه دعوت قونسول بودند. مشروبات زیادی می خوردند. خانمهای روسی که در آنجا بودند شراب می خوردند به سلامتی قونسول و بوربور می گفتند. دو ساعت از شب گذشته مراجعت به شهر نمودند. از این هیجده رأس اسب فقط دو اسب قونسول و یک اسب نایب قونسول جلو آمده، هزار و ششصد منات هم بیرق برداشتند. روز سیم ماه جولای پسر امیراعظم باگماشتگان پدرش حرکت نموده از راه زیارت به شاهرود رفتند.

### درباب کشف معادن

رئیس سوارهای چکت برای مأموریت به گلوگاه رفته که نه فرسخ مسافت دارد اه استراباد توسط حاجی غلامحسین... ۲۲۶ به جنگل گلوگاه رفته تماشای معادن می نمایند. یک نقطه معدن طلا، یک نقطه معدن نقره، یک طرف هم معدن زغال سنگ بود. مراجعت از جنگل منزل اسمعیل خان سرهنگ رئیس طایفه گلوگاه رفته معادن را به عنوان اجاره خواهش می کند. مشارالیه جواب داده این معادن متعلق به دولت است. اجاره از اولیای

۳۲۵ - اصل، جون.

۳۲۶ - یک کلمه ناخوانا.



دولت و امضای احمدشاه لازم است. رئیس چکته‌ها مراجعت به استرآباد نموده مجدداً سوار فرستاده اسمعیل‌خان را برای اخذ معادن احضار می‌نماید. مشارالیه جواب داده من نمی‌توانم بدون اجازه دولت کار مهمی را اجاره بدهم. تاجه‌شود.

### درباب وکیل استرآباد

ششم ماه جولای سردار افخم با انجمن نظار در مسجد جامع برای گرفتن رأی حاضر شده اشخاصی که تعرفه گرفته بودند، از پانصد تعرفه سیصد و هشتاد و یک رأی به اسم حاجی شیخ حسین مجتهد که رئیس انجمن سابق بود بیرون آمده. دوازده رأی به اسم میرزا شکرالله خان معاون کارگذاری که او را پارتی روس می‌دانند و عمده مقصود پارتیها مشارالیه بود. هشت رأی به اسم آقاسید جمال مجتهد. شش [رأی] به اسم آقاشیخ اسمعیل قاضی، نه رأی به اسم میرزا محمد مهدی مجتهد پارتی روسها بود. اکثریت رأی با حاج شیخ حسین شد، برضد عقیده قونسول و ایالت و سالار اشرف و پارتیها گردید. بعد از دوازده روز ایالت پیشخدمت خود را منزل حاج شیخ حسین فرستاده اظهار داشت رأی به اسم شما داده‌اند چه می‌گوئید؟ حاج شیخ جواب گفت محذورات من را رفع بنمائید خواهم رفت و الا نمی‌روم. محذورات عمده رضایت قونسول روس است که میل ندارد. ایالت چگونه قدرت دارد بدون اجازه قونسول اقدامی در فرستادن حاج شیخ حسین بنماید. تاجه اقتضا کند.

### نمره ۱۹۵

۱۶ ماه جولای رفت - ۱۹۱۴

### درباب قتل

[از] طایفه جعفر بائی یک نفر ترکمان با عمویش برای اموال پدر در محضر قاضی مرافعه می‌رود. عمویش جواب کافی داده مراجعت نمودند. مجدداً برای قطعه زمینی نزاع می‌نمایند. شکم برادرزاده خود را با کارد پاره کرده فوت شد.

### درباب سرقت

یازدهم ماه جولای خبر رسید تراکمه دازدورأس مال از قریه میرمحله سه فرسخی مشرقی به سرقت بردند.

### درباب سرقت

ایضاً تراکمه مذکور دورأس مال، یک رأس گاو از قریه تقی آباد ملک سه فرسخی مشرقی به سرقت بردند.

### درباب نزاع

خوانین مقصودلوی که ساکن قریه سرخونکلانه دوفرسخی شرقی می باشند یورت شارق دوفرسخی شاهکوه محل بیلاق است که همه ساله در آنجا رفته گوسفند را هم برای تعلیف ۳۲۷ تابستان می برند. رعایای شاهکوی علوی جلوگیری از گوسفند خوانین در ملك شاهکوه می نمایند. نزاعی اتفاق افتاده پسر حاجی رحیم خان مقتول، تیری به پای برادر حاجی محمدعلی شاهکوئی می زند. اهالی شاهکوه ازدحام نموده خوانین را مغلولاً به شاهکوه برده حبس می نمایند. از طرف سردار افخم دونفر مأموری به شاهکوه رفته طرفین را در شهر آورده استنطاق [کرده] مشغول محاکمات می باشند.

### درباب سرقت

شب سیزدهم ماه جولای دزد طایفه جعفربائی سهرأس مادیان از قلندر محله يك فرسخی مغربی به سرقت بردند. ساخلو عوض دادند.

### درباب منشی قونسولگری

میرزا جعفرخان منشی قونسولگری بیست و سه سال است مشغول خدمت بوده يك سال است میرزا علی اکبرخان گماشته سابق سپهدار به سبب دانستن زبان روسی شب و روز در قونسلخانه حشر داشته اتصالاً قماربازی [کرده] به قرب سی هزار منات از محصولات املاك خالصه را به قونسول و خانم باخته است، معامله سپهدار اعظم باگنرال و خلع میرزا علی اکبرخان را از اداره سپهدار قونسول روس از جانب میرزا جعفرخان منشی دیده است، چهاردهم ماه جولای بدون جهت در دفتر بهانه جوئی نموده چند توی سری به این پیرمرد بیچاره زده از قونسلخانه او را بیرون کرده میرزا علی اکبرخان را به جای او برقرار می نماید. در ضمن ۳۲۸ مشهدی محمدغلام باشی را هم از اداره خارج نمودند. تا چه اقتضا کند.

### درباب تعدی

چهاردهم ماه مذکور چهل نفر تراکمه دویچی و طایفه داز به شهر آمده عریضه به قونسول نوشته اند که شیخ محمدباقر مجدداً يك قطعه اراضی و سمه (?) متعلق به دولت را به روسها داده است و همه روزه مطالبه مالیات از تراکمه می نمایند، سه روز است ابداً قونسول اعتنائی به ترکمانها نکرده مایوسانه مراجعت نمودند. ۱۶ ماه جولای رفت.

## نمره ۲۵۵

۲۳ جولای رفت - ۱۹۱۴

## درباب وکیل استرآباد

به عرض رفته بود آراء رأی به اسم حاجی شیخ حسین رئیس انجمن سابق دادند، قونسول روس اعتراض نموده که حاجی شیخ حسین نباید به طهران برود. رقعہ رسمی به کارگذاری نوشتند هرآینه حاجی شیخ حسین به طهران برود من در جشن احمدشاه حاضر نخواهم شد.

## در وجه رشوه

گرفتن وجوهات به عنوان تقدیمی یا رشوه به هر اسم و رسمی که تصور فرمایند منحصر است به اهالی ایران. دول متمدنه اروپ تاکنون شنیده نشده است به گرفتن رشوه و تقدیمی آموخته باشند. ایوانف قونسول استرآباد بعد از مراجعت محمدعلی میرزا وجوهات زیادی محرمانه برای خود اخذ نمودند. سابقاً يك نفر ترکمان به عنوان اگنطی در گموش تپه مأموریت داشت ماهی سی منات از طرف دولت روس به او می دادند. يك سال است قونسول برای گرفتن وجه تقدیمی سه نفر اگنط تغییر و تبدیل داده، هر يك هزار تومان وجه نقد به عنوان تقدیمی می دهند. در عوض جریمه زیادی از تراکمه رعیت ایران پس خواهند گرفت.

## درباب جشن احمدشاه

مبلغ سیصد تومان دولت برای جشن تاجگذاری سلطان احمدشاه به عنوان حکومت و کارگذاری تصویب شده که رئیس مالیه بدهند. حکومت و کارگذاری متفقاً در دیوانخانه برای پذیرائی جلوس نمایند. هفتاد تومان هم برای اداره مالیه تصویب شده است که هفتاد تومان و هفتاد قران مخارج نموده بود. روز بیست و یکم ماه جولای مطابق ۲۷ ماه شعبان دوساعت از دسته گذشته علمایان و تجار برای تبریک دیوانخانه رفته بعد از صرف شربت و چای مراجعت نمودند. روز مذکور به موجب دعوت نامه رسمی سه به غروب مانده نایب قونسول باجمعی از صاحب منصبان نظامی روس، رئیس قشون، رئیس تلگراف، رئیس سوارهای چکت با چند نفر حکمای مریضخانه صلیب احمر بایک نفر عکاس به دیوانخانه رفته تبریک گفتند. سردار افخم اظهار اخوت به ایشان می نمود [در] کلاه فرنگی عکس گروه انداختند. شب بیست و دویم يك ساعت و نیم از شب گذشته جمعی را که عرض نموده با خوانین استرآباد برای صرف شام دعوت داشتند، بعد از اتمام شام ایالت اظهار داشت که آتش بازی هم داریم. چند کوزه آوردند که به دستور العمل خود سردار باروط ریخته آتش دادند که چنار می گفتند چهارپنج تومان قیمت باروط وغیره

می‌شد. قونسول روس هم به موجب نوشتن رقعہ رسمی برای جشن حاضر نشدند.

### درباب ترکمانها

به قرب سی‌چهل نفر از قضات و خوانین و پیرمردان جعفربائی برای تبریک تاجگذاری سلطان احمدشاه به دیوانخانه آمده اظهار نوکری می‌نمودند.

## نمره ۲۱۵

۱۳ ماه اگست رفت - ۱۹۱۴

### درباب قتل

یک نفر رعیت قریه میرمحله سه فرسخی مشرقی به اتفاق ترکمان داز دزدی رفته [در] مراجعت اهالی کتولی سارقین را تفنگ زده، رعیت میرمحله کربلائی قربان مقتول شد.

### درباب تعدی روسها

بیست و پنجم ماه جولای خبر رسید کمیسر وارد گنبد قابوس گردیده تراکمه دویچی از دست روسها به قونسلخانه متظلم بودند و جوابی به آنها داده نشده بود، کمیسر با چند قزاق به طایفه دویچی آمده دونفر از پیرمردان تراکمه را مغلولاً به گنبد قابوس برده نفری صد تومان جریمه گرفته رها نمودند.

### درباب قتل

ایضاً دونفر ترکمان طایفه داز در جعفرآباد ملک سه فرسخی مشرقی به سرآسیاب می‌روند، شیخ محمدباقر وطن فروش به خصوصیت ۳۲۹ ساعدالسلطنه محرک گردیده رعایای کتول را در سرآسیاب تیرزده کشتند. تاجه شود.

### درباب سردار افخم

معظم‌الیه اوایل ورود استرآباد روباه منشی نموده خود را به انظار خلق نوع دیگری جلوه داده بود، رفتہ رفتہ تقلبات مشارالیه کالشمس فی وسط السماء آشکارا شد. زمان ورود یکی دومرتبه صد تومان وجه رشوه را علناً قبول نکرده به صاحبش مسترد نمود که مردم رغبت ۳۳۰ و اطمینان حاصل نمایند. کم کم به توسط اشخاصی که فروشنده املاک دولت بودند چندی وجه رشوه محرمانه قبول می‌کردند. بعد مانند گدا درباب گرفتن رشوه حکم

۳۲۹ - شاید: خصومت.

۳۳۰ - اصل: رقت.

سائلی ۲۲۱ به کف را پیشه خود قرار داده بدون خجالت ایداً اغماض از گرفتن پنج هزار دینار نمی کند. من جمله روز بیست و ششم ماه مذکور ایالت ساعد السلطنه را به اتفاق رضاقلی خان پسرش به محمدآباد دامغان فرستاده حاج شیخ حسین و کیل استرآباد را برای دلگیری قونسول و چند نفر اهالی استرآباد که پارتی روسها بوده و مخرب امور دولت هستند به استرآباد مراجعت داده او را از رفتن به طهران منصرف نمایند. تاچه اقتضا کند.

### دربا بقشون روس

غره ماه اگست يك مرتبه سی نفر سالداد روس اسباب و آشغال خود را جمع آوری نموده رفتند. روز دویم رئیس قشون با ایالت خدا حافظی نموده دوازده نفر قزاق برای مستخدمی قونسلخانه گذارده باقی قشون را حرکت داده در قراسو با سایر قشون که داشتند به پراخوت جنگی داخل شده از قرار مذکور قشون روس بکلی خط شمال را تخلیه خواهند نمود. لکن عمده مطلب به سبب پریشانی قونسول مهمی تازه باید روی داده باشد که فوری رئیس قشون بایک عده سالداد و قزاق حرکت به روسیه می نمایند. ایضاً خبر رسید قشون روس از مشهدسر و بارفروش هم مراجعت به روسیه نمودند. تاچه اقتضا کند.

### نمره ۲۲۵

۲۵ اگست رفت - ۱۹۱۴

### درباب قشون

هفته قبل به عرض رفته بود دولت بهیه روسیه قشون نظامی که در استرآباد و گنبد قابوس و قراسو و چاتلی و مراوه تپه و مشهدسر و غیره را، به انضمام رعایای روسی که برای کشت و زرع به استرآباد آورده بودند، حرکت به سمت روسیه داده شده است. چند نفر آرامنه تبعه روس که در بندر جز و استرآباد تجارت داشتند به قوه مجریه آنها راهم برای جنگ بردند. لکن بیست و پنج نفر سوار چکت که در بیرون شهر منزل دارند باعث اذیت اهالی می باشند. افواه است در عوض سالدادها پانصد قزاق به جای آنها به استرآباد و گنبد قابوس بفرستند. تاچه اقتضا کند.

### درباب اجاره باغ

باغ عباس خان بیگلریگی در مشرقی دیوانخانه واقع است، در هفتاد سال قبل حاکم استرآباد مقتدر بوده وقف است بر تکایای شهر که وجه اجاره آن در اموال تغزیه داری در ماه محرم الحرام می نمایند. چند سال اداره کارگذاری در آنجا دایر بود. يك دستگاہ

عمارت فرنگی ساز خوبی دارد که مخروبه شده. بعد قزاقهای ایرانی آنجا توقف می نمودند. پنج جریب وسعت باغ است. موقع بلوای محمدعلی میرزا روسها تصرف نمودند، سوار چکت ترکمان در آنجا منزل داشت. حاجی سیدطاهر مجتهد به ولایت شرعیه از طرف متولی باغ مزبور را مدت هفتاد ساله به قونسول اجاره داده سالی هفتاد تومان و مخارج به عهده قونسول بوده باشد. تاکنون دوهزار تومان در باغ عباس خان مخارج نموده به عنوان مریضخانه صلیب احمر... ۳۳۲

### درباب قتل

ایضاً دونفر طایفه جعفربائی با دونفر اهل ولایت با مال سروقه از اتزان به جعفربائی می رفتند تردیکی قراسو یک نفر ترکمان تیرزده مقتول شد. معلوم نیست مالقانیهای روسی تیرزده اند، یا اینکه اهالی کردمحل مرتکب قتل ترکمانها شده اند.

### درباب خالصه استرآباد

لیوان هشتیکه خریداری مرحوم سپهسالار بوده، بر حسب ارث تعلق به سیف الملک گرفته بود، دوسال است گماشته سپهدار تصرف داشتند. اکنون دولت روس مقیم بندر جز قراء مزبور را از سیف الملک اجاره و تصرف نموده است.

### درباب ورود قزاق

این دوسه روزه بیست و هشت نفر قزاق و یک نفر صاحب منصب روس از راه چکشلر وارد به استرآباد شدند.

### درباب اتوموبیل

یازدهم اگست یک دستگاہ اتوموبیل چهارنفری، چهارنفر از تجار روس شرکت کرده، مبلغ چهار هزار منات خریداری برای ایاب و ذهاب قراسو و گنبد قابوس به استرآباد آورده اند.

### درباب محالات

دوازدهم ماه اگست به امر قونسول، نایب با چهارنفر سوار چکت و دونفر قزاق به قریه کردمحل چهار فرسخی مغربی رفته پنج نفر اهالی کردمحل را تحت الحفظ برای ترکمان جعفربائی به شهر آورده حبس نمودند. تاجه شود.

## نمره ۲۳

[اگست] رفت - ۱۹۱۴

## درباب خبر وحشت انگیز اروپا

رئیس گمرکخانه بندر جز و مشهد [سر] به سبب جنگ اروپا سراسیمه وار حرکت نموده به خاک بلجیک رفتند. نام ادارات بندر جز از گمرکخانه و بانک استقراضی و کنطورهای آرامنه اتباع روس بسته شده است. قند و چای بیست روز است ترقی نموده قند روسی پوطی سه تومان و هشت هزار، چای سیاه رسمی گریوانکه چهار هزار می فروشند.

## درباب قونسول

چهاردهم ماه اگست قونسول دفاتر دولتی را موقتاً به نایب جدید واگذار نموده شخصاً در باغ گلبن قریه خریداری خود به اتفاق میرزا علی اکبر خان بیلاق رفته، از قرار مذکور منتظر ورود قونسول جدید می باشد. يك هفته دیگر از راه طهران آمده باشند.

## درباب سرقت

۱۶ ماه مذکور خبر رسید ترکمان طایفه داز به قریه میرمحلده سد فرسخی مشرقی رفته، چهار رأس مال سرقت کرده بردند، صاحبان مال توسط آقا رمضانعلی و کیلالتجار عارض شده، يك نفر غلام برای تحقیقات اموال مسروقه به طایفه داز فرستادند.

## درباب شیخ محمدباقر

سراج لشکر به توسط گماشتگان حکومت استرآباد دونفر قزاق به کتول فرستاده باج گوسفند مطالبه از دهات خالصه خریداری سپهدار مطالبه نمایند. به تحریک میرزا علی اکبر خان برضد امورات سپهدار شیخ محمدباقر چند نفر آدم فرستاده قزاقها را بیرون نمایند. از طرف ایالت هم امر شد به قزاقها هر کس جلوگیری نماید با گلوله بزنند. به همین جهت تصادف بین ایشان حاصل نشده مراجعت نمودند.

## درباب قشون روس

بیست و پنج نفر سوار چکت مستخدم استرآباد بودند. دوازده نفر را به جای دیگر فرستاده، سیزده نفر سوار، يك صاحب منصب توقف دارند. لکن هیجدهم ماه اگست خبر رسید يك عده قزاق در مشهد سر توقف داشته و يك عده قزاق هم در قراسو وارد شدند. گماشتگان روس از ترکمانهایی که در خاک اترک و حسینقلی و چکشلر و چاکن و سایر نقاط سرحدی ساکن بوده از هر خانه ای يك مال برای حرکت سالداد گرفته اسامی مال و صاحبانش نوشته، در موقع لزوم قشون تهیه نمایند. تا چه شود.

## نمره ۲۴

### ۳ سپتمبر رفت

#### درباب سپهدار

به عرض رفته بود. قراء خالصه استرآباد را سپهدار به گنرال روس اجاره داده است. سراج لشکر منشی خود را برای رسیدگی محاسبات دوساله فرستاده. میرزا علی اکبرخان به قوه قونسول جواب سخت به آنها داده، خود را دوهزار تومان طلبکار ساخته و کارشکنی می نماید. مدتی است گنرال روس برای جنگ به روسیه رفته است. سراج لشکر در هر نقطه از قراء خالصه را آدم می فرستد. شیخ محمدباقر به تحریک میرزا علی اکبرخان و قونسول غدغن کرده گماشته سراج لشکر را بیرون می نمایند. عجالاً ۲۲۲ مشارالیه به واسطه نداشتن قوه ساکت است.

#### درباب سرقت

۲۳ ماه اگست خبر رسید تبعه روس که در طایفه داز ساکن شده و اراضی آنجا را تصرف کرده است به کموسر عارض شده هفتصد تومان وجه نقد از منزل تراکمه دویچی به سرقت برده اند. در صورتیکه این مطلب صحت نداشته، برای صدمه زدن به ترکمانها دونفر چکت فرستاده. مبلغ هفتصد تومان پول از طایفه دویچی و طایفه داز غرامت گرفته. کلیه مقاصد روسها در این سرحد آنست که هر کاری از آنها ناشی می شود تراکمه ساکت باشند. تراکمه از عقاید روسها به خوبی مستحضرند. تا چه شود.

#### درباب محمودآقا - مراجعت از طهران

مشارالیه چندی که در گنبد قابوس باروسها همدست شده خاک یموت را واگذار به کموسر نموده به قرب صد هزار تومان از ترکمانها و اهالی کتول و فندرسک و طایفه گوکلان و اموال غارت شده مداخل نموده باروسها شرکت داشته. کراراً از حرکات محمودآقا به وزارت داخله شکایت شده. روزنامه ها و مکاتیب مشارالیه را معرفی نموده اند. ناچاراً او را به طهران احضار کردند. چندی گذشت مجدداً به مأموریت خود بازگشت کرده وارد گنبد قابوس [شد]. این مقدمه باعث تکدر و قطع امید مردم را نموده است که بعد از این ابداً از حرکات این گونه اشخاص دزد متقلب اهالی شکایت ۲۲۲ و اظهاری ننمایند.

#### درباب قتل

بیست و ششم ماه مذکور یک نفر از تراکمه قجق به کموسر عارض می شود که یک

۳۳۳ - ایضاً همه جا «اجالتا».

۳۳۴ - اصل: شاکی.



رأس مال من را دزدطایفه داز بهسرقت برده. دونفر سوار چکت بهطایفه داز آمده سارق را بپرند. ترکمان سارق فرار می نماید. سوارهای چکت تیرخالی کرده ترکمان داز مقتول شد.

### درباب کردمحلله

به عرض رفته بود رجب نام جعفر بائی ساکن بشاوسقه چند رأس مال از خاک اتران سرقت کرده در تردیکی قراسو او را کشتند. نایب الحکومه کدخدای کردمحلله را با دونفر سید آورده چند روزی در حبس بودند. قونسول يك نفر غلام با دو قزاق به قریه مزبوره فرستاده، يك نفر قاتل ترکمان را دستگیر و به شهر فرستاده در حبس ایالت است.

### درباب روسها

صاحب منصب سوار چکت قرای لیوان هشتیکه هشت فرسخی مغربی را از سیف الماک پسر مرحوم سپهسالار اجاره نموده و از تصرف سپهدار بازگشت نموده، به سبب اغتشاش داخله روس قراء مزبور را به فلیوچا گنط واگذار نموده روز بیست و هشتم ماه اگست بیست و پنج نفر سوار چکت را از استرآباد مرخص نموده عزیمت به عشق آباد نمودند.

### درباب قشون روس

سالداد روس که در استرآباد و بعضی از نقاط سرحدی مأمور بوده بکلی احضار به روسیه شده اند. لکن قونسول روس برای پیشرفت پولتیک خودشان مجدداً يك عده قزاق خواسته، متدرجاً تا شب چهارم ماه سپتمبر دویست و شصت نفر قزاق و چهل توپچی و سه عراده وارد گردیده، در ارگ دولتی منزل نمودند. صد نفر از این قزاقها اهالی قفقاز می باشند که دولت روس آنها را به مأموریت سرحدی فرستاده. تماماً از گرفتن تفنگ و مشق نظامی عاری می باشند و صد نفر قزاق مذکور سابقاً خراسان بوده موقتاً به استرآباد آمده اند.

## نمره ۲۵

۱۷ سپتمبر رفت

### درباب سرقت

يك نفر از مهترهای قونسول يك رأس اسب مناسب قیمت را از باغ گلبن سرقت کرده می برد. تمام نقاط استرآباد سوار فرستاده آنچه تلگرافات نموده اثری از سارق به ظهور نرسانیدند.

### درباب ترکمانها

ایضاً به واسطه تعدی از طرف اتباع روس نسبت به طوایف یموت چندی است رؤسای جعفربائی از راه مازندران به طهران رفته شاکی هستند. تاچه اقتضا کند.

### درباب قتل عبدالسلام

از مازندران خبر رسید به سبب تعدیات فوق العاده که عبدالسلام اگنل قونسول روس به اهالی مازندران و رعایای بارفروش رسانیده، روز هفتم ماه سپتمبر يك ساعت به غروب دونفر قفقازی تبعه روس توی کوچه باهفت تیره اورا به قتل رسانیده، يك نفر ملازم اورا تیرزده بعد از دو ساعت دونفر قاتل را آورده استنطاق نموده چیزی مفهوم نشد. مراجعت از کارگذاری قاتلین فرار نمودند. در صورتیکه قاتل تبعه روس و قفقازی بوده. خدا ترحم کند به مردمان مازندران که روسها به اندجوتی کرده هزار گربه بدرقص خواهند آورد. تا چه اقتضا کند.

### درباب سرقت

شب نهم ماه مذکور سه نفر از طایفه قاجاریه از بستگان سالار اشرف هفت رأس گاو از محله میدان سرقت کرده، در صورتیکه کسب ایشان دزدی و راهزنی می باشد، کراراً به حکومت راپرت داده شده ابداً اقدامی در مجازات آنها نکردند.

### درباب روسها

به عرض رسانیده بود سوارهای چکت را به گنبد قابوس احضار کرده اند. کمیسر روس سوارهای مذکور را برای جنگ خواست روانه نماید جواب دادند که ما نخواهیم رفت. به علت آنکه مسافت راه زیاد است. در آن خط با جنگ دولت آلمان غیر ممکن است. کمیسر تغییر کرده يك عده سوار چکت که از تراکمه تکه می باشند خلع اسلحه کرده دوشب حبس نموده بعد سوارهای چکت را استعفا از نوکری گرفته هر يك راسه دانه فشنگ با تفنگ پنج تیره داده به محل اقامت خود [روانه] نمودند.

### درباب روسها

ایضاً قشون روس در استرآباد به طور پولتیک حرکت می نمایند. ورود و خروج آنها کلیه در نصف شب است. صدوپنجاه نفر قزاق را از راه گنبد قابوس به عشق آباد روانه داشتند. عجالتاً صدوپنجاه قزاق با سه عراده توپ در آرگ دولتی اقامت دارند. تاچه شود.

### درباب نزاع

اهالی لیوان به سبب خصومت بایعقوب علی سلطان ازدحام کرده خانه اورا تاراج نموده، قونسول امر نموده مرتکبین را دستگیر نمایند. غلام قونسول در لیوان رفته بعد از رسیدگی معلوم شد که طایفه اناث به خانه یعقوب علی ریخته عنوان تقاص نمودند.

### درباب جنگ

بهموجب تلگرافی که از روسیه برای قونسول رسیده بود عموم ارامنه اتباع روس را برای جنگ بفرستید به امر قونسول ارامنه بندر جز بادکوبه رفته هر يك به وسایل زیادی نجات یافته دو روز است مراجعت به مقرر خود نموده اند.

### درباب مال التجاره

از حین شروع جنگ اروپ مال التجاره روس یوم به یوم در ترقی است. مال التجاره ایران روبه تنزل است: قند پوطی چهار تومان — چای گریوانکه هفت هزار — نقطده پوط چهارده تومان — جنس ذرعی قرانی دوهزار افزوده بر اصل است... ۲۲۵ پشم پوطی سه تومان — پوطی پنبه هفت هزار — جو باری چهار تومان — گندم پنج تومان — برنج نرخ معین ندارد — روغن تبریزی دو تومان.

### درباب بارندگی

از تاریخ غره ماه شوال در آسترآباد و کوهستان اتصالاً بارندگی می باشد. هر آینه بیست روز دیگر بارندگی طول بکشد تمام محصول شلتوکی ضایع و باطل خواهد شد.

## نمره ۲۶

۲۴ ماه سپتمبر ۱۹۱۴

### درباب مجازات سارق

يك نفر رعیت قریه دنگلان دو فرسخی مغربی يك رأس گاوی سرقت کرده به شهر می آورد. کدخدای بلد او را با گاو نزد ایالت برده اقرار به سرقت خود می نماید. حسب الامر چوب مفصلی به او زده گوش او را در بازار میخ نمودند.

### درباب نزاع

دو نفر ترکمان گموش تپه با اتباع روس نزاع می نماید. بعد از عارض شدن به قونسول دو نفر قزاق بایک نفر غلام به گموش تپه رفته مقصرین را به شهر می آورند. ارا زوردی آخوند قاضی به گموش تپه خدمت قونسول توسط کرده، مقصرین را مرخص نموده رفتند.

### درباره قتل اگنط

بعد از کشتن عبدالسلام اگنط بار فروش دو نفر قزاق روس از طرف قونسول بار فروش رفته، سه نفر قفقازی با دو نفر تاجر طهرانی را دستگیر کرده به آسترآباد آوردند. لکن

قاتل اگنط همان دونفر قفقازی بوده که فرار کردند. روسها می گویند به تحریک تاجر طهرانی بوده است. تاجچه اقتضا کند.

### درباب خالصه

سپهدار بعداز فرستادن گنرال کربایانف ۲۲۶ باسراج لشکر برای تصرفات خالصه و معزولی میرزا علی اکبرخان نائینی، ایوانف قونسول استرآباد از ناحیه میرزاجعفرخان منشی تصور نموده اورا خارج می نمایند و میرزا علی اکبرخان را به جای مشارالیه منصوب می نمایند. بعداز رفتن جنرال مذکور به روسیه قونسول درامورات سپهدار کارشکنی می نماید. چون امیراکرم لاریجانی زمان حکومت استرآبادش قریه کردمحله ونوکنده را از محمدعلی میرزا ابتیاع نموده بودند یک سال هم تصرف داشت و گاهی اظهاراتی برای این قراء بزرگ که اعظم ترین خالصجات است می نمودند، به اشاره قونسول دونفر وکیل فرستاده شیخ الرئیس و یکی مشهور به جناب آوازخوان وارد به منزل شیخ محمدباقر فاضل مدعی العموم، ضدیت با سپهدار مبلغ هفتاد هزار تومان به کنیاز، داماد خانم قونسول اجاره می دهند. معزی الیه با چند نفر قزاق به کردمحله می روند. گماشتگان سپهدار، سراج لشکر بامیرزا علی اکبرخان مترجم ایروانی از ترس به منزل خود نشسته ابدأ دخالت در امورات خالصه ندارند. کراراً قونسول گفته است همراهی من با کارهای سپهدار برای مقاصد خودمان بود. اظهر من الشمس است سپهدار حق ندارد خالصجات استرآباد را تصرف نماید. چونکه عوض خالصجات استرآباد دولت قراء قزوین را به مشارالیه داده است. تاجچه اقتضا کند.

### درباب اظهار صلح

قونسول روس يك هفته است منتشر نموده دولت آلمان از شدت صدمه و شکست فاحش که از دولت روس دارند ناچار گردیده به توسط دولت بی طرفی میل به اصلاح دارند و امپراطور ما قبول صلح نمی کند.

## نمره ۲۷۵

غره اکتبر رفت - ۱۹۱۴

### درباب قتل

سه نفر رعیت گلوگاه لب دریا مأمور گرفتن باج لتکا بودند. يك عدد لتکای ترکمان وارد می شود. مأمورین مطالبه باج می نمایند. ترکمانها می گویند پول نداریم. يك نفر

۳۳۶ - این نام چند صفحه بعدتر کمینسکی ضبط شده و درینجا هم نخست بهمان شکلها نوشته بوده است ولی خطزده و به شکل بالا تحریر شده. به صفحه ۴۱۸ مراجعه شود

باماها بیاید باج را در بندر جز می‌دهیم. دونفر گلوگاهی به اتفاق ترکمانها می‌روند. قدری دور شده دونفر گلوگاهی را باکارد مجروح نموده به دریای اندازند. قتل دونفر را به قونسول راپرت می‌دهند. به تحریک حبیب‌الله خان یاور بوده است. کنیاز را با پنجاه قزاق به گلوگاه فرستاده برادر سالار مکرم فرار کرده دونفر تاجر از گلوگاه دستگیر [شده]، مراجعت از راه قراسو یک نفر ترکمان قاتل را هم گرفته به شهر می‌آورند. تا چه اقتضا کند.

### درباب کردمحلّه

به عرض رفته بود کنیاز به کردمحلّه رفته اهالی آنجا شرحی به آقاسیدجمال مجتهد نوشته‌اند که آمدن کنیاز روس با قزاق به کردمحلّه و مطالبه مالیات می‌کند به کدام سند مالیات دولت را به ایشان بدهیم. آقاسیدجمال رسماً به سردار افخم نوشته و سواد نوشته رامی‌فرستد، ایالت استرآباد را متعلق به دولت می‌داند یا متعلق به سپهدار، یا متعلق به امیرمکرم لاریجانی. هر یک را امضاء نمائید اطاعت می‌کنم. سردار افخم سه روز است از ترس قونسول برای نوشتن جواب طفره می‌دهد. در ضمن میرزا علی اکبرخان از طرف قونسول خدمت آقا سیدجمال رفته اظهار می‌دارد شما دوستانه رجوعی به عمل کرد محلّه نداشته باشید.

### درباب رامیان

روسها در این مدت بارامیان نتوانستند فایق بشوند. چندی است به ریاست مهدی شاه میرپنجه اهالی رامیان و فندرسک با کمال قدرت و جلالت جلوگیری از روسها دارند و کمیسر روس را به خود راه نداده‌اند. چندی قبل چهارپنچ نفر از اشرار طایفه قجق به رامیان پناهنده شده به دستگیری اهالی مذکور اطراف گنبد قابوس رامی‌چاپیدند. کمیسر امر نموده ده نفر از تراکمه قجق را به گنبد برده حبس می‌نمایند. یک [دسته] طایفه قجق شبانه از گرگان کوچ کرده به جنگل رامیان می‌روند. بقیه طایفه قجق هم در شرف حرکت بودند. کمیسر ده نفر ترکمان را از حبس مرخص کرده به توسط تجارگموش تپه مانع از کوچیدن تراکمه قجق گردیده‌اند. لکن از طرف مهدی شاه قدغن است کسی از رامیان و فندرسک به گنبد قابوس نروند و اخیراً کمیسر روس را هم به خودشان راه نمی‌دهند. تا چه اقتضا کند.

## نمره ۲۸۵

۸ اکتبر رفت - ۱۹۱۴

### درباب قتل

شب دویم ماه اکتبر در قریه حسین آباد ملک سه فرسخی مشرقی صفرنام حاجی لری

يك نفر را تفنگ زده بعد از قتل سراورا بریده و مادیان مقتول را سوار شده به سمت حاج لر می رود.

### درباب نزاع و قتل

در گلوگاه بین حسین خان سرهنگ و حیدرسلطان به سبب عداوت سابقه منجر به نزاع گردیده، حیدرسلطان از خورشیدکلاه رعیت را جمع آوری نموده یورش به گلوگاه برده نزاع سختی می نمایند. حسین خان سرهنگ از نوکنده امداد خواسته کلاتر اتزان با پنجاه سوار کمک رفته به خورشیدکلاه یورش می آورند. و خرکی (?) هدف گلوله می شود. به امر حسین خان سه باب خانه را از گاو و مال و غیره چاپیده آوردند. تاچه شود.

### درباب سپهدار

مسیو کمینسکی وزیر تجارت روس در طهران بوده سپهدار از وزیر مختار خواهش نموده است مشارالیه را برای تصفیه امورات سپهدار به استرآباد بفرستند. ۴ ماه مذکور وزیر تجارت وارد به قونسرخانه استرآباد گردیده محاسبات میرزا علی اکبر خان نائینی را تحقیق و رسیدگی می نمایند. از قرار مذکور هیجده هزار تومان متجاوز معزی الیه باقی دارد.

### درباب حکومت

مدتی است نواب والا امیراعظم خیال حکومت استرآباد را دارند. لکن قونسول روس به این امر راضی نمی شود. سالار اشرف نایب الحکومه قونسول را به این امر راضی نموده است. سردار اخم هم متزلزل است. تاچه اقتضا کند.

## نمره ۲۹

۱۹ اکتبر رفت - ۱۹۱۴

### درباب اگنط

مجدداً دونفر قفقازی را از بارفروش مغلولا به استرآباد آورده، با پنج نفر سابق - الذکر سه مرتبه در کارگذاری استنطاق نمودند. چیزی مفهوم نگردیده است.

### درباب فوت

یازدهم ماه اکتبر خبر رسید حبیب الله خان اشجع الملك سرتیپ فوج سورجی که پارتی روسها بود فوت کرد.

### درباب سپهدار

به عرض رفته بود وزیر شعبات تجارت روس برای رسیدگی به استرآباد آمده است. سراج لشکر گماشته سپهدار که چندی در استرآباد بود موقع جنگ بین الملل در هر نقطه و مجلس که وارد می شد از شکست و انهدام قشون روس عنوان می کرده، فتوحات آلمان را انتشار می داده حرفهای او را تماماً به قونسول راپرت می دادند، به روسها بر می خورد. راین موقع مسیو کمینسکی به استرآباد آمده دلتنگی قونسول را برای این گونه حرفها به سپهدار تلگراف می نماید، بودن سراج لشکر در استرآباد لزومی ندارد فوراً او را احضار می نمایند. مسیو کمینسکی برای سرکشی به گنبد رفته، پانزدهم ماه اکتبر مراجعت به روسیه نمودند.

### درباب ورود قزاق

پانزدهم ماه مذکور سیصد نفر قزاق روس از خاک سیریا بالناس سالدادی و «شبگاه» ۲۲۷ به استرآباد آمدند. روز شانزدهم هم صد قزاق به سمت گنبد قابوس رفتند. زمان ورود بنقرب پانزده عرابه قورخانه همراه داشتند. تاچه اقتضا کند.

### درباب مریضخانه

به عرض رفته بود، مریضخانه صلیب احمر در باغ عباس خان تعمیرات و بنایی زیادی از طرف قونسول نموده اند. هفته قبل حکمای مزبور را برای مجروحین اردوی دولتی احضار نموده اند. یک ورقه تشکرنامه به توسط قونسول برای خدمات هشت ماهه مسیو کیوتسکی در استرآباد رئیس مریضخانه و حکمای مزبوره میرزا علی اکبرخان نوشته، دو سه نفر از مجتهدین با سایر صاحب منصبان و سرکرده های استرآباد تماماً امضاء کرده تقدیم رئیس مریضخانه صلیب احمر نمودند و این چندروزه انتظار ورود پراخوت را دارند.

### درباب اسب دوانی

چندی است قونسول ونایب میل و افری برای اسب دوانی دارند. به همین ملاحظه در طوایف یموت قیمت اسب رسیده است به چهار صد تومان. میدان اسب دوانی زیر ناور محمدآباد دوفرسخی شمالی شهر منعقد است. صاحب منصبان روس و چند نفر به اتفاق دریاییگی و سرکرده های استرآباد روز هیجدهم اکتبر دعوت گردیده مخارج نهار به عهده سردار افخم حاکم استرآباد بود، هفده اسب بیرق گذارده سه اسب از قونسول و سه اسب از نایب، یک رأس متعلق به حکومت، ده اسب دیگر از طرف خوانین. سه نمره اسب دوانی دارند. نمره اول دو ورس، پنج اسب نفری یکصد و پنجاه منات. اسب قونسول موسوم به... ۲۲۸ جلو آمده هفتصد و پنجاه منات بیرق برداشت. نمره دوم یک ورس و نیم، چهار اسب نفری

۳۳۷- (= شاپکا) به معنی کلاه فرنگی (شاپو).

۳۳۸- بعلت بریدگی کلمه در عکس خوانده نمی شود.